

مسیحیان پاکدل در عصر پیامبر اسلام (ص)

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ
 أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيْنَ وَ
 رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ * وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ
 تَفْقِضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.

البته یهودیان و مشرکان را در دشمنی با مؤمنان از همه مردم سخت تر می یابی و
 کسانی را که گفتند ما نصارا هستیم، از لحاظ دوستی با مؤمنان نزدیکترین مردم می یابی. این
 بدان جهت است که از آنها کشیشان و راهبانی هستند و اینکه آنان گردنکشی نمی کنند. و چون
 آنچه را که بر پیامبر نازل شده می شنوند، چشمانشان را می بینی که پر از اشک است به خاطر
 آنکه حق را دریافته اند. می گویند: پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را با گواهان
 بنویس. (سوره مائده/ ۸۲-۸۳)

در طسول تاریخ، عکس العملهای	و گاهی مسیحیان دست به جنگهای
یهود و نصاری و مشرکان درباره	سختی با مسلمانان زده اند (مانند
مسلمانان، در مقایسه با یکدیگر،	جنگهای صلیبی) و به هر حال
متفاوت بوده است. گاهی یهودیها،	مخالفتها و دشمنی های مخالفان اسلام
دشمنی بیشتری از خود آشکار کرده اند	در مقام سنجش با یکدیگر گوناگون

بوده است، ولی در زمان رسول گرامی اسلام، گروهی که بیشتر از همه گروهها با مسلمانان عداوت و دشمنی داشته‌اند، قوم یهود و گروه مشرکان بوده است و در مقابل آنها، مسیحیان عکس العمل ملایمی از خود نشان داده‌اند.

این حقیقت در این آیه شریفه به خوبی

نمایان است. در این آیه

خطاب به پیامبر اسلام می‌فرماید: یهودیان و مشرکان را در دشمنی با

مؤمنان از همه مردم سخت‌تر می‌یابی ولی نصاری را از نظر دوستی با مؤمنان، نزدیکترین مردم می‌یابی.

در زمان پیامبر اسلام، یهودیان و مشرکان بالاترین مخالفت را با مسلمانان داشتند و برای ضربه زدن به اسلام از هیچ‌گونه توطئه‌ای فروگذاری نکردند و حتی با حمله‌های مسلحانه و جنگ‌افروزی‌ها، در نابود کردن اسلام و خاموش ساختن این نور الهی تلاش کردند ولی چنین مخالفتی نه تنها از مسیحیان دیده نشد، بلکه

بعضی از آنان مانند مسیحیان حبشه و در رأس آنها خود نجاشی و نیز مسیحیان نجران از در صلح و آشتی و ملایمت وارد شدند و حتی بسیاری از آنان اسلام را پذیرفتند. البته گاهی مسیحیان نیز به جنگ با اسلام مبادرت کردند مانند جنگ تبوک ولی آنها در مقایسه با یهود و مشرکان، ملایمتر

ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را دوستان برنگیرید بعضی از آنان دوستان بعضی

بودند. مسلم است که منظور آیه شریفه این نیست که مسیحیان دوستان مسلمانان هستند، بلکه منظور این است که آنها در مقایسه با یهود و مشرکان، به مسلمانان نزدیکترند. می‌بینیم که در آیات دیگر، مسلمانان از دوستی با هر دو گروه یهود و نصاری منع شده‌اند:

یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا اليهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء^(۱)

۱. مانند: ۵۱.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را دوستان برنگیرید بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند.

از جمله مواردی که مسیحیان نسبت به مسلمانان مهربانی کردند و به آنها پناه دادند، جریان مهاجرت هشتاد و دو نفر از مسلمانان به حبشه بود. این گروه از مسلمانان در اثر آزار و اذیت مشرکان مکه در سال پنجم از بعثت پیامبر، مکه را ترک کردند و به سرکردگی جعفر بن ابی طالب به حبشه مهاجرت نمودند و مردم حبشه که مسیحی بودند به آنان

امان دادند و درخواست مشرکان مکه را در استرداد آنان رد کردند و در سال هفتم هجرت که همان سال فتح خیبر بود، این مسلمانان به مدینه

برگشتند و همراه با آنها سی نفر از مسیحیان حبشه که یاران نجاشی بودند، به محضر پیامبر اسلام رسیدند و سلام و ارادت نجاشی را به خدمت پیامبر رسانیدند. پیامبر اسلام در حضور آنها آیاتی از قرآن کریم را که گویا چند آیه از سوره یس بود تلاوت

هم اکنون نیز دشمنی یهود و بخصوص صهیونیستها با مسلمانان به مراتب بیشتر از مسیحیان است و اگر مسلمانان از مسیحیان هم آسیبی می‌بینند، در اثر توطئه یهود است.

می‌بینیم در قرنهایی که تمدن اسلامی در اوج شکوفایی بود، بسیاری از دانشمندان مسیحی با مسلمانان همکاری نزدیک علمی داشتند و سهم مهمی در ترجمه کتابهای بیگانه به زبان عربی و بالا بردن توان علمی و فرهنگی جامعه اسلامی به خود

اختصاص داده‌اند. هم اکنون نیز دشمنی یهود و بخصوص صهیونیستها با مسلمانان به مراتب بیشتر از مسیحیان است و اگر مسلمانان از مسیحیان هم آسیبی می‌بینند، در اثر توطئه یهود است.

البته در قرون وسطی ما مواجهه با جنگهای صلیبی و کشتار مسلمانان توسط مسیحیان هستیم. و نیز در همان دوران بعضی از نویسندگان مسیحی تهمت‌های ناروایی به اسلام و پیامبر اسلام زدند و کتابهایی در رد مبانی اسلام نوشتند ولی می‌توان گفت که اینها همه جنبه سیاسی داشت و از جانب مسیحیان دیندار نبود، بلکه سیاستمداران و سلطه‌گران، از احساسات مذهبی مردم سوء استفاده کردند و آنها از روی ناآگاهی دست به چنین کارهایی می‌زدند. و لذا دیدیم که مسیحیان بعدی بخصوص دانشمندان آنها، بعدها از این گستاخی‌ها و دشمنی‌ها عذر خواسته‌اند و نویسنده انگلیسی به نام جان دیون پورت کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن» را

نوشته است و وقت، اسلام را به طور منصفانه مطرح کرد و صدها کتاب در این زمینه نوشته شده است هرچند که استعمارگران و سیاستمداران باز هم برای کوبیدن مسلمانان و دستیابی به منابع آنان دست از توطئه نکشیده‌اند ولی ما نمی‌توانیم آن را به حساب دین مسیح و مسیحیان دیندار بگذاریم.

در آیه مورد بحث، علت نزدیک بودن مسیحیان با مسلمانان را چنین ذکر می‌کند که از آنها کشیشان و راهبانی هستند و آنها در مقابل حق گردنفرازی نمی‌کنند یعنی دانشمندان راستین آنها و راهبانی که دنیاپرست نیستند و دنیا را رها کرده‌اند، در مقابل حق عناد نمی‌کنند ولی یهودیان با حق، عناد می‌کنند و این بیشتر به خاطر دنیا پرستی آنهاست که در آیه دیگر به آن تصریح شده است:

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوةٍ^(۱). و آنها (یهود) را حریص‌ترین مردم بر زندگی می‌یابی.

همین کشیشان و دانشمندان راستین

۱. بقره: ۹۶.

مسیحی و راهبان تارک دنیا، چون عناد با حق ندارند، وقتی آیات قرآن را می‌شنوند، می‌بینی که اشک در چشمانشان حلقه می‌زند چون حق را در می‌یابند:

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ. و چون آنچه را که بر پیامبر نازل

شده می‌شنوند،

چشمانشان را می‌بینی که پر از اشک است به خاطر آنکه حق را دریافته‌اند.

این سخن اشاره به همان جریانی است که پیشتر نقل کردیم.

کشیشان و راهبانی که از سوی نجاشی به

خدمت پیامبر اسلام آمده بودند، با شنیدن آیاتی از قرآن مجید منقلب شدند و اشک از دیدگانشان سرازیر شد و سخن حق در آنها اثر کرد و آنها حق را شناختند و اسلام را پذیرفتند و در این حالت روحانی و وجد معنوی، می‌گفتند:

سی نفر از مسیحیان حبشه که یازان نجاشی بودند، به محضر پیامبر اسلام رسیدند و سلام و ارادت نجاشی را به خدمت پیامبر رسانیدند. پیامبر اسلام در حضور آنها آیاتی از قرآن کریم را که گویا چند آیه از سوره یس بود تلاوت فرمود و این آیات تأثیر فراوانی در این افراد گذاشت به طوری که اشک در دیدگان آنها جمع شد و در همان حال اظهار اسلام کردند.

نداشته باشد، اگر آن را دریابد، دیگر بهانه‌ای در مخالفت با آن ندارد و باید بی‌درنگ حقیقت را بپذیرد. آنها سپس اضافه می‌کردند که ما در خواست آن را داریم که خداوند ما را در گروه صالحان داخل کند و از آنها قرار بدهد و البته این آرزوی هر شخص حق جو و

خداپرستی است.

در مقابل این حالت روحانی که در کشیشان و راهبان مسیحی با شنیدن آیات قرآن به وجود آمد و آنها به پیامبر اسلام ایمان آوردند و این سخنان زیبا را گفتند، خداوند به آنها پاداش بزرگی داد و آن باغبایی در بهشت است که از زیر آن نهرها جاری است و مهمتر اینکه آنها جاودانه در این بهشت خواهند بود و این پاداشی برای نیکوکاران است.

اینکه در آیه شریفه این پاداش مهم در برابر گفته‌ها و سخنان آنها قرار گرفته، بدان معنا نیست که مجرد سخن گفتن، این پاداش را دارد، بلکه این پاداش در برابر سخنانی است که آنها در آن حالت خاص که اشک از دیدگان‌شان جاری بود گفتند و این سخنان از یک ایمان قوی و محکم سرچشمه گرفته بود و بدون شک سخنی که ازدل برآید و از سر صدق و صفا باشد، خودش بهترین عمل است و جای آن دارد که خدا بالاترین پاداش را در مقابل آن بدهد. و لذا می‌بینیم در

آخر آیه از آنان به عنوان «محسنین» یعنی نیکوکاران یاد می‌کند و نشان می‌دهد که این سخنان با توجه به منشأ روحانی که دارد، خود نیکوکاری است و بهترین عمل محسوب می‌شود چون مسلم است که پیدایش چنین حالتی در انسان او را از بدیها باز می‌دارد و به خوبی‌ها وادار می‌سازد.

در آیه بعدی نقطه مقابل این گروه را می‌آورد و آنان کسانی هستند که با حق و حقیقت سر عناد و ستیز دارند آنها کافر شدند و آیات خدا را تکذیب کردند و خدا به سبب همین کفر و انکار، آنان را در جهنم سوزان قرار خواهد داد.

راستی چقدر فرق است میان کسانی که در برابر آیات الهی چنین رفتی به آنها دست می‌دهد که اشک شوق از چشمان آنها جاری می‌شود و کسانی که در مقابل این آیات گردنکشی می‌کنند و با عناد و بدون جهت خاصی آنها را دروغ می‌پندارند. بهشت برین گوارای گروه اول و جهنم سوزان جایگاه گروه دوم باد!